

می شود.^۵

وی از شهیدان صدر اسلام است. شهادتش را در بدر^۶، احد^۷ یا خیبر گفته‌اند.^۸ با توجه به شواهد ذیل، شهادت او در احد قطعی می‌نماید: ۱. بیشتر منابع، به ویژه منابع نخستین، وی را در شمار شهیدان احد یاد کرده‌اند.^۹ ۲. آن‌جا که نام او در زمره شهیدان احد آمده، نام نیاکان و نسب او بیان شده است؛^{۱۰} اما در شمار شهیدان خیبر تنها عنوان ابوسفیان بن الحارث دیده می‌شود، بی آن که از نیاکان وی یاد کنند.^{۱۱} ۳. گزارش شده که ابوسفیان بن حارث بن قیس با یکی از صحابه برای شرکت در جنگ احد همراه بود. آن صحابی چنین دعا کرد: خدایا! مرا به سوی خانواده‌ام بازگردان و شهادت در راه پیامبرت را روزی‌ام گردان! در برابر، ابوسفیان بن حارث این‌گونه با معبود خویش نجوا می‌کرد: خدایا! جهاد همراه پیامبرت را روزی‌ام کن و مرا نزد

احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق؛ معرفة الصحابه: ابونعیم الاصفهانی (م. ۴۳۰ق.)، به کوشش العزازی، ریاض، دار الوطن، ۱۴۱۹ق؛ المغازی: الواقدی (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش مارسدن جونس، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ق؛ المنتظم: ابن جوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.

رمضان محمدی



ابوسفیان بن حارث بن قیس بن زید بن ضبیعه: از شهیدان احد

ابوسفیان از اوس، تیره بنی ضبیعه بن زید از بنی عمرو بن عوف است.^۱ ابن حزم در انتساب وی به بنی ضبیعه بن زید تردید کرده و او را ابوسفیان بن حارث بن قیس بن یزید معرفی نموده است.^۲ با توجه به این که دیگران نام جد اعلای وی را زید گفته‌اند^۳، ممکن است تردید ابن حزم حاصل از آمیختگی نام زید با یزید باشد. وی را ابوالبنات هم می‌خوانند.^۴ نام

شموس دختر نعمان بن عامر، همسر ابوسفیان، همراه لیلی، تمیمه و عایشه، از دختران او، در شمار بیعت کنندگان با رسول خدا ﷺ دیده

۵. الطیقات، ج ۸، ص ۳۴۶-۳۴۷، ۳۹۰: المجیز، ص ۴۱۸.

۶. امتاع الاسماع، ج ۱۴، ص ۳۴۹.

۷. المغازی، ج ۱، ص ۴۰۱: السیرة النبویه، ج ۲، ص ۱۲۳: تاریخ خلیفه، ص ۲۹: انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۹۰.

۸. تاریخ خلیفه، ص ۱۱۳: الاستیعاب، ج ۴، ص ۳۶۴: اسد الغابه، ج ۵، ص ۲۱۵.

۹. المغازی، ج ۱، ص ۱۱۳: السیرة النبویه، ج ۲، ص ۳۶۴: تاریخ خلیفه، ص ۲۹: انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۹۰.

۱۰. المغازی، ج ۱، ص ۱۱۳: السیرة النبویه، ج ۲، ص ۳۶۴: تاریخ خلیفه، ص ۲۹: انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۹۰.

۱۱. تاریخ خلیفه، ص ۲۹: تاریخ الاسلام، ج ۲، ص ۴۳۰.

۱. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۹۰: السیرة النبویه، ج ۲، ص ۳۶۴.

۲. جمهرة انساب العرب، ص ۳۳۳.

۳. السیرة النبویه، ج ۲، ص ۱۲۳: تاریخ خلیفه، ص ۲۹: انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۹۰.

۴. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۶۴: الاصابه، ج ۷، ص ۱۵۴.

همسر و دخترانم بازگردان! سپس ابوسفیان شهید شد و آن صحابی زنده ماند. خبر به رسول خدا ﷺ رسید و فرمود: ابوسفیان در نیت صادق تر بود.^۱ آمده است هنگامی که ابوسفیان بن حارث شکست مسلمانان را دید، گفت: خدایا! نمی خواهم نزد خانواده ام بازگردم؛ بلکه می خواهم در راه تو کشته شوم. و در همین جنگ به شهادت رسید.^۲

◀ منابع

الاستیعاب: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، به کوشش البجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق؛ اسد الغابه: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار الكتاب العربی؛ الاصابه: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، به کوشش علی محمد و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ امتاع الاسماع: المقریزی (م. ۸۴۵ق.)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق؛ انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش محمد حمید الله، دمشق، المؤسسة الثقافیة، ۱۹۵۹م؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۱۰ق؛ تاریخ خلیفه: خلیفه بن خیاط (م. ۲۴۰ق.)، به کوشش فواز، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ جمهرة انساب العرب: ابن حزم (م. ۴۵۶ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ السیرة النبویه: ابن هشام

۱. اسد الغابه، ج ۵، ص ۲۱۵.

۲. المغازی، ج ۱، ص ۱۱۳.

(م. ۲۱۳-۸ق.)، به کوشش محمد محیی الدین، مصر، مکتبه محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳ق؛ الطبقات الکبری: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، بیروت، دار صادر؛ المحبّر: ابن حبیب (م. ۲۴۵ق.)، به کوشش ایلزه لیختن شتیر، بیروت، دار الافاق الجدیده؛ المغازی: الواقدی (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش مارسدن جونس، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ق.

حسین قاضی خانی



ابوسلمة بن عبدالاسد مخزومی:

پسر عمه و جانشین پیامبر ﷺ در مدینه، از مجروحان احد

عبدالله بن عبدالاسد بن هلال^۳، مشهور به کنیه اش ابوسلمه^۴ از تیره بنی مخزوم^۵ قریش است. مادرش بره دختر عبدالمطلب عمه رسول ﷺ خدا بود. از آنجا که ثویبه^۶ کنیز ابولهب، پیامبر، حمزه و ابوسلمه را شیر داده بود، آنان برادر رضاعی یکدیگر نیز شمرده

۳. الطبقات، ج ۳، ص ۱۸۰؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۳۶؛

الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۶۸۲.

۴. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۳۶۹؛ الطبقات، ج ۳، ص ۱۸۰؛ معجم

الصحابه، ج ۲، ص ۶۷.

۵. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۳۲۶؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۳۶؛

اسد الغابه، ج ۵، ص ۱۵۲.

۶. الطبقات، ج ۴، ص ۱۸۱؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۵۴؛ تاریخ

طبری، ج ۲، ص ۲۱۳.